

شبیه زندگی

گفت و گو با فرزانه قاسمی (نسخه پیچ)

نمی دانستم وقتی اسم دارو به گوش می رسد باید چهره آقا یا خانم دکتر متصور شود که احتمالاً یک آمپول دست گرفته است یا اینکه باید داروخانه بینم؟
در هر صورت این هفته سراغ جوانی رفتم که شغل او در امتداد شغل پزشکها قرار دارد.
به یک داروخانه نسبتاً بزرگ و البته شلوغ رفتم تا ضمن آشنایی با یک جوان نسخه پیچ یا این شغل هم آشنا شوم. سالها قبل فراموش نمی کنم که برای تهیه اغلب داروها باید چندین داروخانه می رفتم تا آن را پیدا می کردم. آن وقت ها حتی پیدا کردن استامینوفن کدئین هم کار سختی بود.
اغلب مجبور بودیم برای پیدا کردن داروهای کمیاب سراغ چند داروخانه متشخص برویم.
در آن داروخانه ها هم باید چندین ساعت معطل می ماندیم تا مثلاً تعداد آمپول پنتامین بگیریم.
راستش دارو فروش های نامرئوس هم به برقرار بود و به نوعی آخرین امید نسخه به دست هلی بود که همه داروخانه ها جواب سندی به نیازشان ندادند.
آن سالها گذشت و تقریباً خیلی از کمودهای دارویی از بین رفت اما هنوز هم اغلب داروخانه ها شلوغ هستند. هنوز هم داروهای خاصی خاص داروهای کمیاب فعال هستند. دارو فروشان ناصر خسرو به کار خودشان ادامه می دهند و هنوز هم خیلی از داروهای با بعضی از مشتری ها را رد می کنند و می گویند این دارو را نداریم و یا اینکه مقدار کمتری از آنچه در نسخه درج شده است را تحویل می دهند. فرزانه قاسمی نسخه پیچی که از داروخانه های تهران در ریاسج به این مشکلات می گوید:
«متراسنسه همیشه حضور است، به رغم اینکه اغلب داروها وجود دارند اما هنوز بعضی از داروهای خاص بسیار کم هستند و بیماران با مشکل مواجه هستند.»
قاسمی که معماری خوانده است و فوق دیپلم این رشته را دارد مدتی در رشته تحصیلی خودش مشغول به کار می شود و از کار خودش هم لذت می برد. اما ناامید بودن محیط های کار باعث می شود آرام آرام از فعالیت در زمینه معماری و نقشه کشی دور شود و به قول خودش یکدهم دید که در داروخانه ای مشغول به کار است و حالا دوسال است که از آن زمان می گذرد.
جوان این هفته شبیه زندگی تصور می کند شغل سخت و البته حساسی دارد، چرا که با کوچکترین اشتباه ممکن است جان کسی را به خطر بیندازد.
اغلب اوقات وقتی که دکتر می رویم و نسخه را از دست او می گیریم، تلاش می کنیم تا بتوایم آن را بخوانیم اما هر چند سعی می کنیم بپوهیم، نسخه را بر کسی می کنیم اما باز هم قیادای ندارد.
بعد از خواندن وقتی که دکتر می رویم و نسخه را از دست او می گیریم، تلاش می کنیم تا بتوایم آن را بخوانیم اما هر چند سعی می کنیم بپوهیم، نسخه را بر کسی می کنیم اما باز هم قیادای ندارد.
بعد از خواندن وقتی که دکتر می رویم و نسخه را از دست او می گیریم، تلاش می کنیم تا بتوایم آن را بخوانیم اما هر چند سعی می کنیم بپوهیم، نسخه را بر کسی می کنیم اما باز هم قیادای ندارد.
بعد از خواندن وقتی که دکتر می رویم و نسخه را از دست او می گیریم، تلاش می کنیم تا بتوایم آن را بخوانیم اما هر چند سعی می کنیم بپوهیم، نسخه را بر کسی می کنیم اما باز هم قیادای ندارد.

«ب» یعنی «ب کمپلکس»

مرتضی قدیمی



به نظر شما مهم سخت ترین کار نسخه پیچ ها، رمزگشایی خط دکترهاست؟

سود بیشتری ببرد، به او می گویند: از روزهای اول کاری ت در داروخانه و سختی های آن کار تعریف کن.
می گوید: «خب شروع کار سخت بود و انگار که وارد یک انبار پر از دارو شده بودم. شاید کمی هیجان داشتم و استرس. از طرفی هم خیلی نگران بودم تکند اشتباه کنم.»
«چه اشتباهی؟»
«خب دارویی را اشتباه بدهم یا اینکه دارویی را در جای خودش نگذارم.»
من فکر می کنم بعد از یکسال هم نتوانم نسخه دکترها را بخوانم و جای داروها را پیدا کنم.
«خب احتمالاً به این شغل علاقه داشتم.»
«واقعاً شغل جذابی است؟»
«برای من بوده که ۲ سال است هر روز صبح ۹ تا شب مشغول هستم.»
«از جذابیت های این شغل می گوئی؟»
«خب دیگری به این محیط عادت کرده ام. همکاران خیلی پیدا می شود. خیلی از کسانی که اینجا می آیند را می شناسیم و با بعضی ها هم دوست شده ایم در مجموع شغلی دوست داشتنی شده است.»
از قاسمی در مورد رد کردن بعضی از نسخه ها می پرسیم می گوید:
«بعضی از داروها بسیار کمیاب هستند. حالا با شرکت تولید نمی کنند یا اینکه دارو وارداتی است و وارد نشده است.»
اما بعضی وقت ها داروخانه دارو دارد ولی به مشتری نمی دهد.
«اینجا به این صورت نیست که ندیم. کمتر داروخانه ای هم چنین برخوردی می کند. البته شاید این اتفاق بیفتد که مثلاً دارو به واسطه کم بودن آن مقدار کمتری داده شود.»
می گوید: «به نظر می آید کار خیلی خسته کننده ای باشد؟»
می گوید: «بالاخره بیشتر وقتی را که در داروخانه هستیم باید سرپا باشیم و با آدم های زیادی هم برخورد می کنیم. بعضی با بد اخلاق هستند، بعضی عجله دارند. بعضی ها هم دارویشان نیست و با رفتارهای مختلفی مواجه می شویم.»
از ادامه می دهد: «در عین حال کارهای مربوط به خود داروخانه را نیز داریم. وقتی دارو می آید آنها را در جای خودشان قرار می دهیم. مواظب باشیم تاریخ داروها مربوط به گذشته نباشد. خواب داروهای که دارند تمام می شوند یا داشته باشیم و سائلاتی از این قبیل.»
قاسمی جوان به رغم اینکه قسمت زیادی از وقت خودش را در داروخانه می گذراند علاوه ای به مصرف دارو ندارد و معمولاً هیچ می دهد تا جایی که می تواند درد را تحمل کند تا دارو بخورد. از آمپول که حساسی می ترسد می گوید: «بعضی از بیماری های معمولی را سعی می کنم خودرمانی کنم و باقی را تا جایی که می توانم تحمل کنم. کار نمی روم مگر آنکه خیلی اذیت شوم.»
او که این شغل را بی آنکه انتخابش کند شروع کرده در مورد آینده هیچ نظر یا تصمیمی ندارد.
فکر می کند شاید همین شغل را ادامه دهد. شاید هم روزی آن را عوض کند.
قاسمی به این روزها کمتر سراغ داروها می رود و اغلب در بخش آرایشی و بهداشتی است فکر می کند آنگذر از این بخش شناخت پیدا کرده است که گاهی به مشتری ها هم مشاوره می دهد. در عین حال معتقد است اغلب بیماری های پوستی و شاید خیلی از بیماری های دیگر به استرس های موجود در زندگی باز می گردد و شاید هیچ کس با آرایش هیچ وقت دچار بیماری نشود.

کرد اما در مورد چگونگی مصرف دارو که به فارسی می نویسند هم وضعیت به این صورت است.
انگار که نسخه را خط خطی کرده باشند.
می پرسیم: شما چطور این خط خطی ها را می فهمید و اشتباه نمی کنید؟
می گوید: «بالاخره همانطور که آنها به این طور نوشتن عادت کرده اند ما هم آرام آرام به این طور خواندن عادت می کنیم و خط آنها را یاد می گیریم.»
او ادامه می دهد: «تقریباً درصد زیادی از کسانی که به داروخانه ما مراجعه می کنند دکترشان همین اطراف است و به خط آن دکتر عادت کرده ایم. آنگذر که اغلب بدون نگاه کردن به نام دکتر متوجه می شویم که این دستخط کدام دکتر است. وی در مورد چگونگی خواندن خط دکترها اضافه می کند: «البته موضوع آنگذرها هم که تصور می شود سخت نیست، چرا که بخش دیگری از شغل ما دانستن اسم داروهاست.»
قاسمی می گوید: «یک نسخه پیچ به مرور زمان تقریباً اسم همه داروها را حفظ می شود و با دیدن حروف اول یک دارو براحتی می تواند حدس بزند که دکتر چه دارویی را نوشته است.»
می گوید: یعنی با دیدن «ف» متوجه می شود «فرحزاد»، می خندد و می گوید: «واقعاً همین چیزی که شما گفتید، اما به این صورت «ب» یعنی «ب کمپلکس» مثلاً!»
جوان نسخه پیچ این هفته شبیه زندگی ادامه می دهد:

- دنبال چه می گردی؟**
donchemi@yahoo.com
- برای کسب اطلاعات درباره کامپیوتر دنبال کسی می گردم که کارشناسی ارشد کامپیوتر می خواند و در کلاس های پارسی شرکت کرده است.
- امید حسینی**
Omidmh@yahoo.com
- من دنبال استادم، جناب آقای بلالی می گردم. ایشان استاد شیمی هستند.
- فاطمه واحد**
Mina16935@yahoo.com
- دنبال دوست دوران راهنمایی ام، معجزه بلوری می گردم. او ساکن قزوین است.
- darzi@banian-ir.com**
- دنبال دوستان عزیزم غسل قنبر و در مین غلامشاهی، رشته علوم تربیتی از دانشگاه روهن می گردم.
- aspl1358@yahoo.com**
- من دانشجوی ریاضی کاربردی، سال آخر هستم. دنبال کسی که اطلاعاتی درباره تحصیلات تکمیلی داشته باشد می گردم.
- احسان سلمی**
salimi19@yahoo.com
- دنبال آقای توریج آزادی معلم کلاس پنجم دبستان می گردم.
- رضا حمیدیان**
bbrh53@hotmail.com
- دنبال اطلاعاتی در زمینه تحصیلات در هندوستان می گردم.
- الهام**
Elhamm3003@yahoo.com
- من دنبال یکی از دوستان قدیمی ام به نام مونا خیدری می گردم. ما در دبیرستان مهدیه شهرک زاندار مری و پیش دانشگاهی نیکان با هم بودیم.
- مریم**
Maryam_divine@yahoo.com
- دوستانی که سال ۱۳۷۲، شهرک توحید دوره دبستان می گذرانندند خوشحال می شوم با من تماس بگیرند.
- مهسا**
Goldgirl12002@yahoo.com
- می خواهم خبری از هم خدمتی ام، مهدی نوروزی، بیاده هشتاد نیروی هوایی مهرآباد داشته باشم.
- فادی**
Fadayee65@yahoo.com
- خیلی دوست دارم در رشته خلبانی تحصیل کنم. از کسانی که می توانند در این زمینه به من کمک کنند، خواهش می کنم اطلاعات بدهند.
- شیماساهلیان**
Shimaaa20@yahoo.com
- دنبال دو نفر از دوستان سعید و مهدی پیرحمیدی هستم. آنها ساکن تهرانند و در کار رنگروشی هستند.
- رضا فرهمند از تبریز**
reza_frd2000@yahoo.com

اطلاعیه مهم شرکت ایران خودرو دیزل

مرحله جدید فروش کامیون بنز آتگو باری ۱۸۲۸ (مجهز به محل خواب)

بدینوسیله شرکت **ایران خودرو دیزل** طرح ویژه فروش کامیون بنز شاسی باری ۱۸۲۸ دو کابین را (با نیلاند ویژه) به شرح ذیل به اطلاع عموم میرساند. متقاضیان محترم می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام به اداره مرکزی فروش و یا نمایندگیهای فروش در سراسر کشور مراجعه فرمایند.

✓ در صورت درخواست خریدار، کامیون با **اتاق بار نیم کانتینر آلومینیومی** به قیمت ۳۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال با پرداخت ۹/۳۰۰/۰۰۰ ریال بصورت نقد و ۲۱/۷۰۰/۰۰۰ ریال تسهیلات لیزینگ و اگذار خواهد شد.

شرایط فروش کامیون آتگو شاسی باری ۱۸۲۸ دو کابین

- ۱- قیمت (با عوارض قانونی): ۶۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- ۲- مبلغ پیش پرداخت: ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- ۳- تسهیلات لیزینگ: ۵۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

با نرخ سالیانه ۲۱٪ (حداکثر ۷ ساله)

- ۴- باقیمانده بهای خودرو: طی سه فقره چک یک میلیون تومانی به سررسید دو، چهار و شش ماه پس از تحویل خودرو
- ۵- زمان تحویل: فوری (پس از تکمیل بهای خودرو)
- ۶- اعطای تسهیلات: مشروط به احراز وجود شرایط در خریدار می باشد.

در صورت تکمیل ظرفیت، شرکت حق توقف جهت نام را بدون درج توضیح در خریدار باری خود محفوظ می دارد.

دفتر مرکزی فروش:

تهران، میدان آزادی، خیابان آزادی، بعد از دانشگاه صنعتی شریف، نبش کوچه شهید حبیب (زادگان، پلاک ۱)

اطلاعات فروش: ۸-۰۲۵۵۸۱-۶۶۰۵۲۳۳ داورنگار: ۰۲۳-۶۶۰۰۵۲۳

